

متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیز انسانها همواره در برخورد با وقایع مختلف چه این وقایع در خارج صورت گیرد چه در پیش خودمان (نه لزوما در ذهن در واقع منظور امور انفسی است که به آن علم حضوی دارم) به نحوی عمل میکنند که این برخورد تا حدود زیادی ناشی از عقاید (آن چه به آن علم حضوری داریم و در برخورد با خارج به آن رجوع میکنیم) آنهاست. واگر زبان آن را داشته باشیم میتوان انرا به اجمال به دیگری در ساحت حصول رساند (من نوشته های ملا صدرا را از این سنخ میبینم زیرا علی رغم بیان در ساحت عقل قابلیت رجوع به امری نفسانی در خود {علم حضوری} را میتوان در آنها یافت). آیا در امام روح الله میتوان این نحوه برخورد را یافت؟ بنده دنبال نوشته هایی از امام که جنبه خود نگاری و تحلیل حالات درونی را داشته باشد که بتواند ما در تحلیل سیر الی الحق یاری کند. ممکن است این امور ناظر به امر خارجی بیان شود (صحیفه) اما ما را از بالا نشان بدهد. {چقدر باید بیقرار بود؟ چقدر از این بیقراری حق است؟ چقدر باید حیران بود؟ چقدر از آن ربط به عالم ما ونسبت آن با عالم خارج دارد؟ هر نوشته ی دیگری غیر از امام نیز که در این امر ما را یاری میدهد طالبیم}

متن پاسخ

علیکم السلام، باسمه تعالی به نظر بنده همین طور که در مورد ملا صدرا «رحمة الهم علیه» می فرمایید، تمام نوشته های امام چنین است که گزارشی است از حقایقی که با قلبشان درک کرده اند و سپس به زبان عقل و نقل ارائه فرموده اند، علاوه بر کتب حضرت امام و علاوه بر المیزان نوشته های حضرت ایت الهل حسن زاده، فصوص محی الدین و مثنوی مولوی و کتب شهید آوینی از این نوع است. موفق باشید